

بازخوانی باورهای عاشورایی در رویکردی پدیدارشناسانه

علیرضا صیادنژاد^۱

مهدی لک زایی^۲

پژوهش‌نامه
تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۳،
پاییز ۱۳۹۸

چکیده

۳۷

عاشورا، به‌عنوان «زمان مقدس» و کربلا، در مقام «مکان مقدس»، یکی از محوری‌ترین باورهای شیعی است و نقشی ممتاز در تشیع دارد. رویکردهای جدیدی همچون پدیدارشناسی، امکان تصویر جدیدی از این باور رایج شیعی برای انسان معاصر فراهم می‌آورد. میرچا الیاده با رویکردی پدیدارشناسانه در باب مبحث ادیان، بر این نظر است که غالب باورها و آیین‌های ادیان بر محور «آفرینش» و «نوزایی آفرینش» قرار دارد. اگرچه آیین‌های عاشورایی، بازسازی حادثه غم‌بار کربلاست، مقایسه و تطبیق آنها با آیین‌ها و جشن‌های نوزایی سایر ملل، نشان می‌دهد که مفهوم و کارکرد و ساختاری مشابه دارند. بر همین اساس، می‌توان واقعه عاشورا را «آیین نوزایی شیعه» دانست. علاوه بر این، باورها و آیین‌های عاشورایی فراتر از یک منطقه است. پیش از این، پرسش‌هایی از این دست، سکوت یا پاسخ‌هایی سنتی در پی می‌آورد؛ حال آنکه میزان اقتناع پاسخ‌های سنتی به چنین پرسش‌هایی خود مورد پرسش است. دست کم بخشی از جامعه، از رویکردهای جدید و علمی، استقبال می‌کنند.

در این مقاله کوشش شده است با رویکردی جدید و برون دینی، آیین‌ها و باورهای عاشورایی بازخوانی شود. هدف پاسخ به این پرسش است: آیا از طریق بازخوانی و

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه ادیان و مذاهب (نویسنده مسئول). 110sayad@gmail.com

۲. استادیار گروه ادیان دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی. mahdilakzaei@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۶/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۹/۱۵

تعامل با سایر فرهنگ‌های مشابه در باب آیین نوزایی، امکان ارائه تصویری قابل
مفاهمه از عاشورا برای غیرشیعیان وجود دارد؟

کلیدواژه‌ها:

پدیدارشناسی اسلام، جشن نوزایی، آیین‌های شیعی، عاشورا، کربلا.

درآمد

عاشورا، به‌عنوان «زمان مقدس» و کربلا، در مقام «مکان مقدس» را در باورهای شیعی می‌توان محوری‌ترین آیین دانست. علی‌رغم اهمیت این آیین دیرینه، غلبه تبیین‌های درون دینی و سنتی، تا حدی از کارآیی و تأثیرگذاری اجتماعی آن کاسته و حتی برخی از جنبه‌های آن را در معرض فراموشی قرار داده است. گرچه ممکن است رویکردهای جدید با خطاهایی همراه باشد، به هر حال، می‌توان چنین بررسی‌هایی را در جهان معاصر ضروری دانست؛ زیرا تبیین و رویکردی علمی و مقایسه‌ای با باورهای دیگر ادیان، امکان فهم عمیق‌تر و جامع‌تر انسان معاصر را از باورهای خود و دیگران میسر می‌کند. با این روش می‌توان به برخی جنبه‌های پنهان فرهنگ‌ها و باورهای دینی دست یافت؛ جنبه‌هایی که گاه بر خود باورمندان هم پوشیده مانده است.

رویکرد پدیدارشناسی در مطالعات ادیان، روشی رایج در مطالعات علمی - دینی معاصر است. در این روش با نگاهی برون دینی و متفاوت از الهیات، کوشش بر آن است تا با تکیه بر پدیدارهای دینی، اعم از باورها، آیین‌ها و منابع مقدس دینداران، راهی به سوی ذات دین گشوده شود. میرچا الیاده با این روش، تبیینی متفاوت از مطالعات دینی پیش از خود به دست داد. نتیجه تحقیقات گسترده این دین‌پژوه، ارائه تصویری منسجم از ادیان مختلف، بر پایه پدیدارهای متعدد از «اسطوره آفرینش» بود. کاربرد منظر الیاده در مطالعات اسلامی، گواه ارتباط و تشابه پدیدارهای دین در اسلام، با پدیدارهای سایر ادیان است؛ باوری که می‌تواند اسلام را همچون جزء مکملی برای تصویر کلی دین در جهان معاصر قرار دهد.

عاشورا به‌عنوان واقعه‌ای تاریخی، حضوری دائم در آیین‌ها و فرهنگ شیعی داشته و با پدیدارهای غم‌بار همراه بوده است. با گذر از این پدیدارهای تراژدیک، می‌توان ذات و غایتی را که گاه ورای برخی از جشن‌ها و آیین‌های دینی دیگر ادیان نیز دیده می‌شود، ملاحظه کرد؛ آیین‌هایی

که به «جشن‌ها یا آیین‌های نوزایی»^۱ شهرت یافته‌اند. از نظر الیاده، غایت همه این آیین‌ها، بازگشت به اولین و کامل‌ترین تجلی امر مقدس^۲ در جهان نامقدس^۳ و سرآغاز آفرینش در بهترین زمان و مکان است.

کوشش برای جست و جوی پیشینه تحقیقات در این موضوع با رویکرد پدیدارشناسی حاصل چندانی نداشت؛ گرچه در برخی از مقالات کتاب «فرهنگ سوگ شیعی»، گرایش‌هایی به چنین رویکردی هست. در مقاله حاضر، از طریق متون دینی مستند شیعه (قرآن و روایات)، در کنار باورهای و آیین‌های رایج عاشورایی، بازخوانی و تطبیق این پدیدار دینی با آیین‌های نوزایی دیگر ادیان بررسی می‌شود. چنین رویکردی در برخی از آثار خانم سابرینا مروین^۴ هم قابل ملاحظه است. در ادامه، موضوع تطبیق نمادهای اصلی زمان و مکان مقدس در نظریه الیاده، با آیین‌های عاشورایی بررسی خواهد شد؛ نمادهایی چون: آشوب آغازین، مرکز آفرینش، آفرینش کیهان و آفرینش انسان.

جشن (آیین) نوزایی

تلقی از زمان به صورت خطی یا دوری، یکی از اصلی‌ترین تفاوت‌های تاریخ و اسطوره است: زمان، در اسطوره‌ها بر خلاف تاریخ دوری است و پس از طی پاره‌ای از زمان، چرخه‌وار به نقطه نخستین خود باز می‌گردد. انسان دینی، دائما نیازمند اتصال و ارتباط نزدیک با ماوراء و قدرت برتر است؛ ارتباطی که اولین و کاملترین آن در آغاز آفرینش و دیالکتیک مستقیم امر مقدس، با جهان نامقدس اتفاق افتاده است. تجلی حقیقت مطلق در جهان انسانی، همه کیهان را تحقق داد و سرشار از حقیقت و برکت کرد. چنین جهانی از جنبه مادی نیز در کمال است و انسان غرق در وفور نعمت و برکت‌های طبیعی و آرامش و رفاه است، اما در گذر تاریخ و رفتارهای انسانی، رفته‌رفته آلوده شده و قداست خود را از دست می‌دهد. افزایش آلودگی موجب می‌شود تا تحمل جهان برای انسان دشوار باشد و دچار رنج شود، حالتی که در کنار غلبه غم غربت و دوری از خداوند، زندگی مادی و طبیعی او را با سختی‌ها و ملالت‌هایی همراه می‌کند (Eliade, The

1. Celebration of the Rebirth
2. The Sacred
3. The Profane

۴. ر.ک به مقاله خانم سابرینا مروین با عنوان:

Âshûrâ': Some remarks on ritual practices in different Shiite communities (Lebanon and Syria).

(Myth of Eternal Return, 55). این غربت انسانی چندان است که مولوی، کتاب مثنوی خود را با گلایه از همین غم و بیان شوق به بازگشت، آغاز می‌کند.^۱

انسان برای تحمل این غم غربت، می‌کوشد تا به نمایندگی از امر مقدس و سرمشق گرفتن از ذات الهی، جهان را در پایان هر دوره و سال باززایی کرده و با الغای زمان تاریخی، جهان خود را به همان نقطه آغاز بازگرداند (Eliade, The Myth of Eternal Return, 55). در باور انسان دین‌دار، تجمیع نمادهای مقدس در «مرکز» جهان (مکان مقدس) و تکرار نمادین آفرینش در آیین‌های و جشن‌های دینی، موجب بازگشت به همان زمان و مکان مقدس آفرینش و پربركت خواهد شد (Eliade, The Sacred and The Profane, 105). بر همین اساس می‌توان پذیرفت که محور تمام فعالیت‌های انسان در باورها و آیین‌های دینی ادیان مختلف، آیین نوزایی و بازسازی نمادین کیهان است (Eliade, The Sacred and The Profane, 130). از نظر الیاده، در تمام چنین آیین‌هایی، همواره نمادهایی از آشوب‌های آغازین، آب، کوه، درخت و قربانی در مرکز حضور دارند. در کنار نمادهای فیزیکی و مکانی، نمادهای زمانی مشترکی میان آیین‌های نوزایی در جریان است و غالباً چنین آیین‌هایی طی دوازده روز آغاز سال برگزار می‌شوند. این آیین‌ها و جشن‌ها در باورهای سومری «زاگموک»، در باورهای اکدی و بابلی، «آکیتو»، در مصر («مین» و در ایران «نوروز» نام دارند. Eliade, A History of Religious Ideas vol1m:1,74) در پایان و روز سیزدهم، جهان به صورت موقت به حالت بی‌شکلی و ظلمانی «هاویه» بازمی‌گردد تا بتواند با نوزایی و خروج مجدد از آشوب، با نیرو و قدرت بیشتر دوباره متولد شود. شادخواری‌های فراتر از قوانین رایج، نقطه خاص این‌گونه جشن‌هاست و نمادی از بی‌هویتی و غوطه‌ور شدن در آب‌های آغازین، به‌منظور نوسازی جهان و انسان است (Eliade, Patterns In Comparative Religion, 359).

اگرچه ادیان ابراهیمی همچون یهودیت و مسیحیت، تغییرات گسترده‌ای در باورها و اسطوره‌های باستانی پیش از خود به‌وجود آوردند، همواره از آنها - به ویژه آیین‌های بین‌النهرین - متأثر بوده‌اند و این تأثیرات نیز بر محور آیین‌های نوزایی است: سال مسیحی و برگزاری اعیاد و مناسک مذهبی، تکراری ادواری از واقعه میلاد، مصایب، تصلیب و قیام مجدد مسیح است که

۱. بشنو این نی چون شکایت می‌کند
کز نیستان تا مرا بریده‌اند
سینه خواهم شرحه شرحه از فراق

از جدایی‌ها حکایت می‌کند
در نفیرم مرد و زن نالیده‌اند
تا بگویم شرح درد اشتیاق

همواره به مؤمنان، نوزایی فردی و کیهانی را از طریق تحقق دوباره آن وقایع القا می‌کند و موجب باززایی و تجدید قوا می‌شود. در باورهای مسیحی، طی دوازده روز بین عید میلاد و عید تجلی، مردگان به خانمان خود بازمی‌گردند تا آفرینش مجدد کیهان را ممکن سازند (Eliade, The Myth of Eternal Return, 131). اگرچه آیین‌های نوزایی ملل غالباً با شادخواری و رقص همراه است، در یهودیت وجهی دوگانه دارد: در آیین «عزازیل» یا نماد قربانی و مُثله کردن هیولا، همزمان با آیین‌های رفع گناهان (یوم کیپور) و جشن‌های نوزایی و پایکوبی و عشرت‌طلبی‌های آن، روزه‌داری و برخی ممنوعیت‌ها و حرمان‌ها نیز دیده می‌شود (Eliade, The Myth of Eternal Return, 63-64).

در کنار آیین حج، اصلی‌ترین نماد نوزایی در اسلام، «عاشورا»، یکی از زمان‌های مقدس اسلامی - شیعی است و همواره با واقعه‌ای خاص و سخت غم‌بار در سرزمینی مقدس به نام کربلا، همراه شده است و از این جهت با آیین نوزایی یهودی شباهت می‌یابد. این آیین‌ها، همچون آیین‌های نوزایی دیگر فرهنگ‌ها، در ابتدای ماه‌آغازین سال یعنی در ابتدای ماه محرم و آغاز سال قمری است، حتی پیش از روز شهادت امام حسین علیه السلام و به مدت ده روز آیین‌های رسمی و تکمیل آنها با آیین شام‌غریبان و سوم شهادت امام حسین علیه السلام تا دوازدهم محرم ادامه دارد. به منظور بررسی امکان تطابق آیین‌های عاشورایی با آیین‌های نوزایی دیگر ادیان و فرهنگ‌ها، بازخوانی مقدماتی مهم‌ترین آنها ضرورت دارد:

۱- آشوب‌های کیهانی

در اسطوره آفرینش ملل، از جمله مشهورترین آنها مشهور به «انومالیش»، همه موجودات شکل یافته از آشوب‌های اولیه^۱ هستند. این آشفتگی غالباً به صورت آب، آتش جهانی و گاهی اژدها یا هیولا ترسیم می‌شود: آغاز آفرینش با خشکی دریا و خاموشی آتش یا مُثله شدن هیولای نخستین (رحب، لویاتان، اژدهای تین) مقارن است (Eliade, A History of Religious Ideas, 1/337). بی‌بند و باری‌های جنسی همچون رقص‌های ارگی، نمادی از آشوب اولیه است، زیرا هنوز جهان و انسان هویت نیافته است. در فرهنگ اسلامی، هیولای نخستین «حوت» یا ماهی است که در آب شناور است و آب بر باد و باد هم در دست قدرت الهی است. این همان ماهی است که خداوند گاو آفرینش را بر پشت آن قرار داده است (مجلسی، ۹۰/۵۴).

از آن‌جا که وجود آشوب‌ها و تاریکی‌های پیش از آفرینش، باوری اساسی در فرهنگ ملل در باب آفرینش کیهان است، همواره در آیین‌های نوزایی دیده می‌شود. حضور سپاه جن (موجود بی صورت) یا تمثال اژدها با دهان باز و آتش (فانوس و شمع) بر سر عَلم و کُتل‌های مراسم عاشورا، یادآور همان هیولای نخستین هستند. همچنین، آشوب‌ها و بی‌نظمی‌های آغازین در آیین نوزایی عاشورایی، گاه در قالب بی‌نظمی در دسته‌های عزاداری و صدا‌های آشفته و ناموزون، نمایان می‌شود. غالباً در پایان مراسم عزاداری، آن دسته از عزاداران که تا پیش از آن در نظم معین و همراه دسته‌های سینه‌زنی و زنجیرزنی به کوفتن بر طبل و سنج مشغول بودند، ناگهان به صورت هماهنگ از نظم خود خارج می‌شوند و بر طبل‌ها و سنج‌ها می‌کوبند و بدین ترتیب، نوعی از بی‌نظمی را به‌نمایش می‌گذارند. این آشوب در برخی از مناطق ایران با برگزاری مراسم «بیل‌زنی» در ظهر عاشورا ظاهر می‌شود: جوانان بیل‌ها را رو به آسمان به یکدیگر می‌کوبند و نوعی هیجان و هیاهو پدید می‌آورند. این آشوب در اشعار آیینی عاشورا همچون ترجیع بند مشهور محتشم کاشانی به نحو مؤثری نمایان شده‌است.^۱

۲- نماد آب آفرینش

نماد آب در اساطیر ملل، نقشی مقدم و محمل و تکیه‌گاه آفرینش دارد: آب‌های آغازین به یاری باد یا آتش به دو بخش بالا و پایین تقسیم و خلقت آسمان و زمین آغاز می‌شود. در سفر پیدایش تورات، آشوب اولیه در نماد آب تجلی می‌یابد: «و خدا گفت: فلکی باشد در میان آب‌ها و آب‌ها را از آب‌ها جدا کرد و فلک را بساخت و آب‌های زیر فلک را از آب‌های بالای فلک جدا کرد».^۲ در آیات قرآنی هم همه موجودات از آب خلق شده‌اند، زمانی که آسمان و زمین به‌هم چسبیده بودند و خداوند آنها را از هم جدا کرد.^۳ در روایات دوره اسلامی، آب اولین چیزی است که خداوند خلق می‌کند (مجلسی، ۲۴۰/۵)، زیرا آب، نطفه بی‌صورتی است که همه آفرینش از

۱. کاشانی، محتشم، دیوان اشعار، ترکیب‌بندها، شعر اول:

باز این چه شورش است که در خلق عالم است	باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است
باز این چه رستخیز عظیم است کز زمین	بی نفخ صور خاسته تا عرش اعظم است
این صبح تیره باز دمید از کجا کزو	کار جهان و خلق جهان جمله در هم است
گویا طلوع می‌کند از مغرب آفتاب	کاشوب در تمامی ذرات عالم است

۲. کتاب مقدس، باب ۱ (آفرینش)، آیه ۲-۷.

۳. قرآن، انبیاء: ۳۰: «أَوَلَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ».

آن نشأت گرفته است (مجلسی، ۳۶۳/۵۴). امام علی علیه السلام در خطبه‌ای، آب‌های آغازین را در حالت آشوب و موج توصیف می‌کند تا آنکه به واسطه باد آفرینش آغاز می‌شود^۱ و خداوند از آب دریای و امواج فراوان شکننده، خشکی را می‌آفریند (نهج البلاغه، خطبه ۴۶۵).

به دلیل نقش پر اهمیت این ماده اولیه آفرینش، نماد آب همواره در جشن‌های نوزایی حضوری پررنگ دارد. سرچشمه طهارت آب آسمانی است و در هر مکان مقدس و مرکز باورهای دینی و اسطوره‌ای، لاجرم آب (چشمه یا حوض) حضور دارد. حضور چنین مؤلفه‌ای نه تنها به سبب نیازهای طبیعی زائران است، بلکه همواره موجب نو شدن کیهان و بازگشت زمان مقدس از دست رفته است و مؤمنان را به طهارت اولیه بازمی‌گرداند.

بر اساس اعتقادات بین‌النهرینی، نمونه آسمانی رودهای دجله و فرات در آسمان، در ستاره‌های «انونیت» و «پرستو» است؛ رودهایی که در واقعه عاشورا نیز حضور و جریان دارند و همواره تبرک‌بخشی خود در آیین‌های عاشورایی حفظ کرده‌اند. بنابر روایات شیعی، اگر مؤمنان برای حضور در کربلا و زیارت بارگاه امام حسین علیه السلام با آب فرات غسل کنند، گناهان آنها بخشیده می‌شود چندان که گویی تازه متولد شده‌اند (ابن قولویه، ۱۲۳/۱)؛ طهارتی که به واسطه زمان مقدسی همچون ماه رمضان (فیض کاشانی، ۵۵/۷) یا مکان‌های مقدس دیگر همچون کعبه نیز حاصل می‌شود.

در اسطوره‌های سومری سخن از نزاعی می‌رود میان خدای نیک‌خواه «انلیل» و خدای «کور» که آب‌ها را حبس کرده است. جلوگیری از دسترسی کاروان امام حسین علیه السلام از آب فرات در باورهای شیعی بسیار پر رنگ و پراهمیتی است. بنابر روایات تاریخی، یاران امام حسین علیه السلام در شب عاشورا و پیش از نبرد نهایی، همگی غسل کردند و با شست و شوی همه بدن، خود را برای شهادت و ورود به آسمان مهیا کردند. در برخی از روایات از چاهی سخن به میان می‌آید که به دست امام علیه السلام حفر شد که آب گوارایی هم داشت، ولی با یورش سپاه دشمن کور می‌شود (ابن شهر آشوب، ۵۰/۴).

به سبب باورهای شیعیان پیرامون مسئله آب در واقعه کربلاست که در آیین‌های عاشورایی، همواره آب حضور و احترامی خاص دارد و با آداب و ظرف‌هایی خاص میان عزاداران توزیع

۱ امام علی علیه السلام، نهج البلاغه، خ ۱۶۵: فأجری فیها ماءً متلاطماً تیارؤه متراکماً زخاره حمله علی الریح العاصفة والرّعز القاصفة فأمرها برؤء...

می‌شود؛ چندان که عزادارن با احترام هرچه تمام‌تر گرد آن جمع می‌شوند و در حمل آن یاری می‌رسانند. «تشت‌گردانی» در شهر اردبیل و برخی دیگر شهرها، نمونه‌ای دیگر از آیین‌هاست: سه روز پیش از آغاز محرم، مردم با حزن و اندوه تشت‌های آب را با دعا و صلوات در مسجدها می‌گردانند و از آن آب به نیت تبرک و شفا برمی‌دارند. در «عَلَم‌شویی» در بندرعباس، مردم عزادار در روز دوم محرم، علم‌های آیین‌های عاشورایی را با آب دریا می‌شویند و غسل می‌دهند و به مسجد می‌برند.

۳- آغاز آفرینش از مرکز

الیاده، آفرینش و دیالکتیک امر مقدس با غیرمقدس را در نقطه‌ای محوری به نام «مرکز» و نقطه‌ای که زمین در چهار جهت کیهانی گسترش می‌یابد، ترسیم می‌کند. انسان علاقه دارد تا چنین مرکزی را محور و قبله باورهای خود قرار دهد و مقدس‌ترین خانه‌ها را در آن بنا کند؛ جایی که خاک اولین انسان - به‌عنوان عالم صغیر- نیز از خاک همین مرکز سرشته و آفرینش شده و پس از مرگ هم در همان جا به خاک رفته است (Eliade, The Myth of Eternal Return, 19-31). چنین مکانی، نوعی وطن و محل آرامش برای انسان محسوب می‌شود. اهمیت این نقطه مرکزی، در اتصال سه سطح کیهانی (جهان زیرین، زمین و آسمان) است که بیشترین فیض را ممکن می‌کند (Eliade, The Sacred and The Profane, 46).

شمن در قوس نزول و صعود خود، سوار بر اسب، از میان دشت‌ها و صحراها که نمادهای آشوب‌اند می‌گذرد و در نقطه مرکزی، میان سه جهان پرواز می‌کند. سیر و سلوک میان سه جهان صرفاً در مرکز که مکانی مقدس است، میسر می‌شود. حضور اسب در سفر روحانی شمن همچون «بُرَاق» است که در شب معراج، حضرت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را به سمت آسمان‌ها پرواز می‌دهد. از نظر الیاده، مکان مقدس برای انسان انتخابی نیست، بلکه باید کشف شود و بدین منظور، گاه می‌توان به حیوانات اعتماد کرد (Eliade, The Sacred and The Profane, 32)؛ پدیده‌ای که در روایات دوره اسلامی هم آمده است: حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پس از هجرت به یثرب، برای جلوگیری از اختلاف میان قبایل رقیب، شتر خود را رها کرد تا هر جا که نشست همانجا اولین مسجد بنا شود و آنجا را برترین مکان و منزل خواند (ابن‌کثیر، ۲۱۴/۳). در دسته‌ها و عَلَم‌گرانی‌های عاشورایی، تمثال «مرغ زُخ» در هیئت اسبی با سر انسان با دو بال، نمادی از بُراق است یا اسب سفید امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام در روز عاشورا با نام «ذوالجناح» (بال‌دار) (المقرم، ۲۹۷ و

نوری، لؤلؤ و مرجان و مظاهری، ۲۳۳)، نقشی فراتر از حرکت بر زمین دارد و در واقعه عاشورا نیز نقشی فراتر از یک مرکب. در آیین‌های عاشورایی، به‌ویژه در آیین‌های شیعیان پاکستان، همواره اسب سفیدی که یادآور ذوالجناح است، با احترام کامل عبور داده می‌شود و مردم از آن تبرک می‌جویند. الیاده نمونه‌های متعددی از حضور حیوانات در آیین‌های نوزایی دیگر ملل را بررسی کرده است (Eliade, A History of Religious Ideas, 1/361).

آفرینش جهان از نقطه‌ای مرکزی آغاز شد: در باورهای مسیحی کوه «جلجتا» و در باورهای اسلامی مکه و کعبه. گفته‌اند که در ادبیات عرب، به وسط هر چیزی، کعبه گفته می‌شود (طریحی، ۱۶۱/۲). در روایتی، این حدیث به پیامبر ﷺ منسوب شده است: «سُمِّيتِ الْكَعْبَةُ كَعْبَةً لِأَنَّهَا وَسَطُ الدُّنْيَا» (ابن بابویه، من لایحضره الفقیه، ۱۹۰/۲). چنین مرکزی در مقابل وسط آسمان و بهشت نیز قرار دارد و اگر سنگی از عرش الاهی رها شود، مستقیم به بام کعبه فرود می‌افتد (مفید، ۷۸/۱). به همین سبب، بهترین جا برای اتصال مجدد به آسمان و پروردگار پرده کعبه است (کلینی، ۱۸۴/۴). زمین از زیر کعبه متولد شده و در راستای چهار جهت کیهانی گسترش یافته است (طباطبایی، ۵۵۵/۳). چنین نقطه‌ای مکان آفرینش حضرت آدم و حوا، هبوط آنها به زمین و همچنین مکانی برای دفن آنهاست (کلینی، ۲۱۴/۴) و اولین خانه بر روی زمین در آنجا بنا شده و برکتی برای تمام اهل آن است.^۱

با وجود چنین باورهایی در فرهنگ اسلامی، در مجموعه‌ای از دیگر باورهای خاص، کربلا دیگر نقطه زمین است که در آفرینش و قداست بر کعبه مقدم است: آفرینش و تقدس کربلا، ۲۴۰۰۰ سال پیش از کعبه اتفاق افتاده و از همان زمان حرمی امن بوده است (حر عاملی، ۵۱۳/۱۴) و همان موجب آرامش و ثبات مومنان در برابر توفان نوح - آشوب کیهانی - گردید (نوری، ۳۲۴/۱۰). هر مکان مقدس اسلامی می‌بایست در محور کربلا قرار گیرد تا مقدس باقی بماند (ابن بابویه، ۵۷۷/۲). اگرچه میان این باورها با روایات حاکی از محوریت کعبه در آفرینش، در ظاهر تضاد هست، باید توجه داشت که مکان و زمان در این گونه باورها، همچون دیگر باور ادیان یا اساطیر، از چارچوب و نظم مکان و زمان عرفی و فیزیکی خارج است و می‌تواند متعدد باشد. شرط فهم این گونه باورها، تمایز میان زمان و مکان اسطوره‌ای از مفهوم عرفی است (الیاده، ۱۴).

مرکزیت و محوریت آفرینش در آیین‌های عاشورایی، در صورت دایره‌های عزاداری نمایان می‌شود: عزادارن همگی گرد علم یا نوحه‌سرا، دایره‌وار فراهم می‌آیند و بر خلاف عقربه‌های ساعت

۱. قرآن، آل عمران: ۹۱: إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا.

حرکت می‌کنند. این جهت حرکت نه تنها در میان عزاداری تمام شیعیان دنیا، بلکه در میان تمام آیین‌های نوزایی مشترک است. بررسی رقص‌های آیینی، حاکی است که در آیین‌ها و جشن‌های نوزایی و بازگشت به نقطه آغازین، حرکت در جهت خلاف عقربه‌های ساعت خواهد بود. نمونه‌های اسلامی آن را می‌توان در طواف حج و سماع صوفیه ملاحظه کرد.

۴- آفرینش انسان در مرکز

در اساطیر بابلی، مردوک عالم را از پاره‌های اندام تیامات و آدم را از ترکیب خون خدایی به نام «کینگو» - که الواح تقدیر را به دست او سپرده بود - و خاک آفرید. بنابراین، برای نوزایی و طهارت مجدد انسانی، خون خدا یا قهرمانی الهی لازم است. در باورهای مسیحی، هنگام به‌صلیب کشیدن عیسی در مرکز زمین، خون او بر جمجمه آدم چکید که در زیر پای صلیب دفن شده بود و کفاره گناه نخستین او شد. این اتفاق موجب بازگشت زمان مقدس اولیه گردید و همه زمین‌های اطراف صلیب و گیاهان آن متبرک و شفابخش شدند (Eliade, A History of Religious Ideas, 2/403).

جزء دیگر آفرینش انسان خاک است. کیومرث به‌عنوان اولین انسان در روایات ملی ایران، از خاک رس سرخ رنگ آفریده شد و سرخی خاک، نماد خون حیات بخشی است که موجب حیات دوباره می‌شود. به‌همین سبب است که در آیین‌های بابلی و ایرانی مردم در آیین‌های نوزایی، به صورت نمادین گل سرخی بر گور یا بر استخوان و اشیای پیرامون مرده می‌مالیدند؛ مشابه رسم سرخپوستان آرتکی. در اسطوره‌های یونانی نیز زئوس دستور می‌دهد تا انسان را از ترکیب خاک رس معبد دلفی بسازند و خود در او می‌دمد (گرین، ۳۷).

در باورهای اسلامی، کمابیش همچون باورهای اسطوره‌ای و دینی دیگر ملل، آفرینش انسان، از ترکیبی از خاک^۱ و نفخه الهی صورت گرفته است.^۲ در برخی روایات نیز، خاک انسان گونه‌ای خاک سرخ آمده است (مجلسی، ۲/۴۴/۲۴۷) که در ترکیب با نور الهی، مقدس می‌شود (راوندی، ۲/۸۳۸ و صفار قمی، ۱۱۶). در روایات شیعی، در روز عاشورا از آسمان خون بارید و همه چیز پر از خون شد و خاک کربلا گلگون شد و زیر هر سنگی اثری از خون و سرخی بود (طبری

۱. قرآن، هود: ۶۱؛ اعراف: ۱۲؛ کهف: ۳۷.

۲. قرآن، حجر: ۲۹. «وَوَقَّعَتْ فِيهِ مِنْ رُوحِي».

آملی، ۱/۱۷۷)؛ همان باوری که در مسیحیت در باب روز به صلیب کشیده شدن مسیح آمده است. در آیین‌های عاشورایی گل اندود کردن بدن یا مالیدن خون حیوانات قربانی به سر یا تمام بدن سنتی رایج است؛ همچون پاشیدن خاک رس به نوآموزان شمنی یا گل اندود کردن زنان در جشن پیگمه‌های آفریقایی (Eliade, A History of Religious Ideas, 1/368) تا بازگشت زمان آغازین و وفور نعمت میسر شود (Eliade, Patterns In Comparative Religion, 164).

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۳،
پاییز ۱۳۹۸

۴۷

خاک کربلا، نه تنها در عاشورا، بلکه در زمان‌های دیگر هم سخت محترم و مقدس است؛ چندان که سجده بر مَهر کربلا موجب افزایش ثواب نماز است. در فقه شیعی، خوردن هرگونه خاک یا گل حرام است، ولی خوردن اندکی از خاک کربلا با رعایت آیینی خاص، نه تنها حرام نیست، بلکه موجب تبرک و شفای بیماری‌های روحی و جسمی مومنان است: کربلا نقطه مرکزی عالم و خاک آن نیای انسان است. این آیین توت‌م‌گونه پیرامون خاک کربلا، دلالت بر تفاوت خاک این مکان مقدس با دیگر مکان‌های غیرمقدس دارد و موجب اتصال مجدد انسان به اصل خویش و زمان مقدس و مکان مرکزی آفرینش می‌شود. همچنین در فقه شیعی، هر مسلمان مسافری می‌بایست نماز را شکسته بخواند. از آن‌جا که کربلا محل ولادت انسان به‌شمار می‌آید، کربلا و حائر حسینی از جمله مکان‌هایی است که مسافر می‌تواند نماز را به صورت کامل بخواند (ابن بابویه، کمال‌الدین و تمام النعمه، ۱/۴۴۲)، زیرا کربلا در حکم وطن انسان است. در چنین جایی است که شیعیان در ادعیه خود، بر حضرت آدم و حضرت نوح (پدر دوم انسان)، درود می‌فرستند (ابن مشهدی، ۱/۴۲۷).

در باورهای آفرینش انسان، مکان مقدس زایش انسان، جایی شبیه ساحل و پیوندگاه آب و خاک است. در اسطوره ایرانی آفرینش (بندھشن) نخستین انسان در کنار رود اساطیری «دائیتی» و در اسطوره‌های ژرمنی از جرّقه‌های «موسپل» در کنار دریا آفریده شد (Eliade, A History of Religious Ideas, 2/173). در باورهای شیعی پیرامون مکان مقدس که همان مکان زایش انسان نیز هست، آفرینش انسان اسلامی در چنین مکانی ترسیم می‌شود. در دیگر نام‌های کربلا، نام‌هایی حاکی از همجواری آب و خاک هست، از جمله «طف» به معنای خشکی مشرف به دریا یا کشتی بزرگ (البدری، ۲۵)، یا «حائر» که به معنای محل تجمع و دور زدن جوی آب است. در

۱. وَ رُوِيَ أَنَّهُ مَا رَفَعَ حَجْرًا فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ إِلَّا وَ وُجِدَ تَحْتَهُ دَمًا عَبِيطًا. وَ قَالَ يَزِيدُ بْنُ أَبِي زِيَادٍ: كُنْتُ إِذْ أَرَبَعِ عَشْرَةَ سَنَةً حِينَ قُتِلَ الْحُسَيْنُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، فَفَطَرَتِ السَّمَاءُ دَمًا، وَ صَارَ عَلَى رُءُوسِ النَّاسِ الدَّمُ، وَ أَصْبَحَ كُلُّ نَفْسٍ مَلَأَنَ دَمًا.

فقه شیعی معمولاً همین نام برای اشاره به کربلا و مزار و بارگاه امام حسین علیه السلام آمده است. همچنین بنا بر روایاتی، خاک اطراف سر امام حسین علیه السلام، سرخ رنگ و شبیه خاکی است که آب رودخانه با خود جابجا می‌کند (ابن قولویه، ۲۷۹).

۵- کوه مرکز آفرینش

کوه‌ها در فرهنگ ملل، بلندترین نقطه طبیعی و نزدیک‌ترین مکان به آسمان اند و به همین سبب، امکان رسیدن انسان به آسمان را تسهیل می‌کنند. در نقطه مرکزی باور انسان، کوه اتصال به آسمان را فراهم می‌کند و مکانی برای آرامش و سکون انسان است. در فرهنگ یهود کوه تابور (طور سینا)، در مسیحیت کوه جلعتا، در فرهنگ مصری کوه «بن‌بن»^۱ و در اسلام هم جبل‌النور، مقدس هستند (Eliade, The Myth of Eternal Return, 18).

نقطه مرکز تنها دروازه ورود به آسمان نیست بلکه شامل دروازه ورود به جهان زیرین نیز هست. بر این اساس، همواره در کنار نمادی همچون کوه یا تیرک آسمانی، چاه یا گودال نیز وجود دارد. به‌عنوان مثال، در باورهای یونانی، «استومیون»^۲ به‌معنای مهبل، حفرة اسرارآمیزی در معبد دلفی است که در کنار ستون «امفالوس»، نماد کوه، قرار دارد (Eliade, The Sacred and The Profane, 41). در باور ایرانیان زرتشتی نیز، در چاه کوه «حرون» اژدهایی خفته است. در اسلام نیز، کوه صفا و مروه با چاه زمزم در نزدیکی کعبه یا «بئر‌الاحسف» (عجینه، ۲۶۰) - چاهی در درون کعبه - همجوار است.

اگرچه موقعیت جغرافیایی کربلا از چنین نماد طبیعی که بر مرکز دلالت کند بی‌بهره است، اما باورهای عاشورایی خالی از این نماد نیست: در لغت‌شناسی، برای ریشه نام «کربلا» تبیین‌های مختلفی ارائه شده است که غالباً با این نماد طبیعی مکان‌های مقدس و سلامت و امنیت انسانی در ارتباط است. در معنایی، نام کربلا از ترکیب واژه‌ای از زبان میخی «کور» به‌معنی «معبد یا تپه»، و «بلات» ریشه گرفته است و ترکیب آنها معنای «معبد/تپه امن» را تداعی می‌کند (البدری، ۲۵). به نظر برخی دیگر، این نام ترکیبی است از واژه عبری و سریانی «کرب» - همان واژه «قرب» (= نزدیکی) (لسان‌العرب، ماده قرب) - با واژه «ایلا» به‌معنای خداوند و اشاره به مکانی است که امکان تقرب به خداوند را فراهم می‌کند. در بیان دیگر، کربلا ترکیبی از دو واژه زبان اکدی «کار»

1. Benben.
2. Stomion.

به معنای «نجات دادن» و «بلات» به معنای «زندگی» است. همچنین در آیین‌ها و اشعار عاشورایی، همواره سخن از «تل» یا تپه‌ای به میان آمده است که مشرف بر گودال قتلگاه - محل شهادت امام حسین علیه السلام - و به «تل زینبیه» شهرت دارد.^۱

۶- نماد قربانی در نوزایی

قربانی، یکی از مقدمات لازم آفرینش و عملی فراموش ناشدنی در آیین‌های رایج نوزایی است. در آفرینش نخستین، پس از نزاع میان سپاه خیر و شر، هیولای نخستین قربانی شده و خداوند با تکه‌تکه کردن آن، آفرینش بخش‌های مختلف جهان را آغاز می‌کند. در سرود هندی «پروشا سوکتا»^۲ از بدن قطعه قطعه شده گول آغازین «پروشا» همه جهان آفریده می‌شود. در فرهنگ چینی این هیولای آغازین «پان-کو» ست و در میان ژرمن‌های باستان «یمیر» و در بین‌النهرین «تیامات»، نامیده می‌شود (Eliade, A History of Religious Ideas, 1/279). در آیین‌های نوزایی، انسان دینی همواره می‌کوشد تا به واسطه تقلید از الگوهای آسمانی و مقدس، جهان خویش را مقدس کند (Eliade, The Sacred and The Profane, 105). بر همین اساس، در تمام جشن‌های نوزایی همچون «جشن آکیتو»، میان دو گروه نمایشی از هنرپیشگان که نمایندگان سپاه خیر و شر هستند، نزاعی نمادین با بازخوانی سرودهای آفرینش به اجرا در آمده و جهان به صورتی نمادین بازسازی می‌شود. این نمایش همان تشریفات است که در میان هیتیت‌ها^۳ و مصریان و در «رأس شمره»، نیز دیده می‌شود (Eliade, The Sacred and The Profane, 77). حضور دایم آیین قربانی‌های خونی در جشن‌های نوزایی موجب بازگشت زمان مقدس اولیه و انطباق زمان عرفی با زمان اساطیری ازلی می‌گردد تا از این طریق، جهان خاکی به مکانی ملکوتی و بهشت‌گونه، تبدیل شود (Eliade, The Myth of Eternal Return, 23).

حج، مهم‌ترین آیین نوزایی اسلامی است: در آن هر حاجی از روز یازدهم تا غروب روز سیزدهم ذی‌الحجه، که به «ایام تشریق» (= بالا آمدن خورشید و نورانی کردن / آفرینش) معروف است. قربانی می‌کند. قربانی کردن در مکه، یعنی مرکز باورهای اسلامی انجام می‌شود، زیرا «خداوند، کعبه را وسیله‌ای برای استواری و سامان بخشیدن به کار و قربانی کردن مردم قرار داده است».^۴

۱. از «تل زینبیه» چه پیداست، قتلگاه آه از نگاه زینب کبرا به کربلا

۲. ریگ ودا، ۱۰/۹۰.

3. Hittites

۴. قرآن، المائدة: ۹۷.

در باور شیعی، در روز عاشورا قربانی مقدس موجب احیاء امر الهی و برقراری ارتباط مجدد آسمان و زمین شد. در باورهای شیعی، اراده قربانی شدن امام حسین علیه السلام در نزاع میان دو سپاه خیر و شر، به خواست مستقیم خداوند نسبت داده شده است (فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ شَاءَ أَنْ يَرَكَ قَتِيلًا) (مجلسی، ۳۶۴/۴۴)، تا آفرینش مجدد جهان، ارتباط آسمان و زمین و احیاء دین الهی، میسر شود.

شهادت امام حسین علیه السلام موجب احیاء جهان شد و بلکه چنانکه خود آن حضرت اشاره کرده است، موجبات احیای دین جدش حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و حاکمیت خداوند بر زمین را فراهم آورد؛ مانند آنچه که مسیحیت در باب قربانی شدن مسیح بر صلیب و نوزایی و بازگشت طهارت آغازین عقیده دارد.

در آیین‌های عاشورایی، «تعزیه» نمادی از نزاع میان بازیگران دو سپاه خیر و شر است و در آن، بازیگران به جای سخن گفتن، اشعار موزون و حماسی می‌خوانند که «شبهه‌خوانی» خواننده می‌شود. این نزاع‌های نمادین با غلبه حقیقی سپاه خیر و برکت یافتن مکان مقدس پایان می‌یابد. به‌ظاهر قهرمانان قربانی می‌شوند و این شکست ظاهری، برای برخی از قهرمانان سایر ملل هم اتفاق می‌افتد: هیولا گاه قهرمان را در ظاهر می‌بلعد، اما قهرمان سرانجام غالب می‌شود و به جاودانگی می‌رسد. نمونه‌های این کهن‌الگورا می‌توان در شخصیت‌های داوود و جالوت، هرکول و شیردرنده، زئوس و مینوتاوروس یافت (پالمر، ۱۶۸).

نکته قابل توجه در این آیین‌ها، رابطه عدد سه با هیولاست: اگر قهرمان بتواند مرحله سوم مبارزه را با سربلندی بگذراند، برای خود و انسان‌هایی به ارمغان آورده است. داریوش خود را «ثرتونه» (کشنده اژدهای سه‌سر) می‌نامید و مسیح نیز پس از سه روز مرگ به آسمان عروج کرد. در پاره‌ای روایات دوره اسلامی نیز، آفرینش انسان، همچون آفرینش کیهان با گذر از همین سه مرحله تاریکی آغازین شروع می‌شود.^۱ نماد عدد سه در روز عاشورا در تیری «سه‌شعبه» نمایان می‌شود: آن تیر، قهرمان را قربانی می‌کند و در ظاهر به تاریکی می‌برد، اما موجب احیای کیهان می‌گردد. اگرچه در ظاهر قهرمان عاشورا قربانی می‌شود، نه تنها در دریای آشوب فنا نخواهد شد، بلکه همچون خدای «انلیل» در مبارزه با خدای «کور» بر موج‌های آب مسلط و موجب نجات هرکسی می‌شود که به او پناه ببرد. در تعابیر شیعی، امام حسین علیه السلام همچون کشتی نجات و مصباحی (= چراغی) است که هر کس به او پناه ببرد، هدایت می‌شود.^۲

۱. قرآن، زمر: ۶. يَخْلُقْكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِّنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ.

۲. ان الحسين مصباح الهدى و سفينة النجاة من ركبها ... ر.ک. بحرانی، هاشم بن سلیمان، مدينة معجز الأئمة الإثنی عشر و دلائل الحجج علی البشر، ۵۱/۴.

با توجه به اهمیت انجام قربانی در آیین‌های نوزایی، غالب شیعیان بر انجام قربانی در روز عاشورا، اهتمام خاص دارند و از مدت‌ها قبل برای گرفتن حاجات، نذر می‌کنند و تدارک می‌بینند و مراسم قربانی، به طور معمول پای علم یا دسته‌ عذاراری انجام می‌شود.

۷- نماد درخت در آفرینش

درخت نمادی مقدسی است و به سبب ویژگی‌های طبیعی، همواره نمادی برای نوزایی‌های مکرر و عالم صغیری درمقابل عالم کبیر و جهان به‌شمار می‌آید. برهمین اساس، در زمان‌ها و مکان‌های مقدسی همچون مرکز باورهای دینی و اسطوره‌ای، پیوسته حضور دارد. آلتایی‌ها و ژرمن‌ها، با تأثیرپذیری از بین‌النهرین بر این باورند که بلندترین درخت کاج «ایگدراسیل» در ناف زمین روییده است و سر به آسمان می‌ساید و سه ریشه آن در جهان‌های تاریک زیرین گسترده شده است (Eliade, A History of Religious Ideas, 2/158). این درخت کیهانی در مرکز باورهای اسطوره‌ای و فرهنگی دیگر ملل جهان نیز وجود دارد: درختی که صلیب عیسی و عصای موسی از آن ساخته شد (Eliade, Patterns In Comparative Religion, 292) و به‌صورت عصا در دست فراعنه مصر و زرتشت دیده می‌شود و نقطه‌ اتکاء سلیمان نبی^۱ نیز هست. عصایی که در دست رهبران دینی و نقطه‌های اتصال زمین به آسمان دیده می‌شود نیز، همان «ستون کیهانی» است تا نمادی برای محوریت آنها در اتصال به آسمان باشد. در قبیله آچیلپاهای استرالیایی، نومباکولا از طریق تدهین عصای خود با خون، آن را تقدیس می‌کند، از آن بالا می‌رود و در آسمان ناپدید و بدین ترتیب، قبیله او کیهانی می‌شود. آنان همواره در کنار این عصا زندگی می‌کردند و شکستن آن، نشانه‌ای از پایان جهان و رسیدن به هیولاست؛ یعنی آشوب آغازین (Eliade, The Sacred and The Profane, 35). شاید به سبب چنین باورهایی بود که اعراب در جنگ‌ها علم و بیرق سپاه را به دست نیرومندترین شخص می‌سپردند تا بر پیروزی دست یابند. در روایت‌های دوره اسلامی، چنین عصایی که رمزی از قدرت الهی است، می‌بایست از امام قبلی به امام بعدی تحویل داده شود تا امامت به او انتقال یابد (کلینی، ۳۱۳/۱). در برخی از زیارت‌نامه‌ها و ادعیه شیعه، اهل بیت با صفت صاحب عصا خطاب می‌شوند: «يَا صَاحِبَ الْعَصَا وَ الْمِيسَمِ» (طوسی، تهذیب‌الاحکام، ۲۹/۶). این همان عصای انبیاء الهی است که نسل به نسل به دست خاندان رسول‌الله ﷺ رسیده است (قمی، ۱۳۹/۲) و همان عمودی است که منجی

آخرالزمان در زمان ظهور آن را در دست دارد. این عصا از جنس ستون عرش الهی است و با اشاره آن دشمنان هلاک می‌شوند (مجلسی، ۳۲۶/۵۴؛ طوسی، الغیبة، ۳۰۸/۱). امام حسین علیه السلام در روز عاشورا پیش از ورود به میدان نبرد نیز به همان عصا تکیه داشت.^۱

در روایت‌ها، گاه اهل بیت علیهم السلام را علم‌های هدایت (= اعلام الهدی) خوانده‌اند که فرزندان پیامبراند و طریقی برای هدایت به آسمان هستند (طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۱۳/۶). در آیین علم‌شویی مردم بندر عباس، باور بر آن است دوازده تیرک از جانب دریا به خشکی آورده شده‌است و هر ساله مردم با شستن و آراستن آنها در مسجد دوازده امام گرد این نشانه‌ها عزاداری می‌کنند.

در آیین نوزایی شیعی، عزاداران گرد علم‌ها فراهم می‌آیند. در مراسم «علم‌گردانی»، دیرک‌های بلندی با پارچه‌های سبز رنگ - و گاه به مناسبت عزا رنگ سیاه - آراسته می‌شود تا شبیه درخت تزئین شود. در رأس علم‌ها، نمادهایی همچون پنجه کف دست، نیاز اهل زمین به آسمان را نشان می‌دهد. این علم‌ها نزد عزاداران احترام خاص دارند و مردم برای شفا و حاجت گرفتن، قربانی‌های خود را در برابر آنها انجام می‌دهند، زیرا که این نماد، همان درخت مقدس کیهانی و مرکز باورهای دینی و یادآور برکت آغازین آفرینش است. مسیحیان نیز از گیاهان اطراف صلیب تبرک و شفا می‌جستند. چنین باوری در میان بومیان آمریکای شمالی و آسیای شمالی برای ستون یا درخت کیهانی، و کنعانیان و یهودیان برای سنگ‌های ایستاده رواج دارد (Eliade, A History of Religious Ideas, 1/27). در آیین دیگری غیر از قربانی، مردم برای حاجت گرفتن از این تیرک کیهانی، تکه پارچه‌هایی به این علم‌ها می‌بندند تا در اتصال زمین به آسمان، یکی از متعلقات آنان هم حضور داشته باشد. این رسم همانند رسم گره‌زدن تکه پارچه به درختان سبز در امام‌زادگان و مکان‌های مقدس در باورهای بومی ایران است.

مراسم «نخل‌گردانی» روز عاشورا در مناطق جنوبی ایران، نمونه دیگری از همین فرهنگ است. در اشاره به نقش درخت در آیین‌های نوزایی و عاشورایی می‌توان به زیارت «درختِ خونبار زرنده» اشاره کرد: در منطقه الموت درخت چناری هست که به باور مردم بومی از سال ۶۱ ق، زمان شهادت امام حسین علیه السلام همه ساله در سحرگاه روز عاشورا از آن خون جریان می‌یابد.

۱. امام حسین علیه السلام: أَمَا الْعَصَا فَأَتَوَكَّأُ عَلَيْهَا.

نتیجه

روز عاشورا، نزد یهودیان و مسیحیان شبه جزیره عربستان، عیدی مقدس بود و در آن روزه‌داری می‌کردند (فیومی، ۷۵/۱)، باوری که میان اعراب پیش از اسلام هم دیده می‌شد (الشوکانی، ۲۸۵/۴). بنابر روایاتی، طبق دستور و سفارش پیامبر اسلام ﷺ، مسلمانان در این روز، می‌باید به‌جای یک روز، سه روز روزه‌داری کنند (بخاری، ۴۳/۳)، اما در محرم سال ۶۱ ق نبردی در صحرای کربلا اتفاق افتاد که موجب شهادت امام حسین علیه السلام و همه یاران ایشان شد. از آن روز و به سبب این مصیبت، روز عاشورا در میان شیعیان چهره دیگری یافت و روزه در آن مذموم شد. برخی از گرایش‌های فکری شیعه که به الاهیات رنج نزدیک بودند، موجب تقویت آیین‌های عزاداری و مصیبت‌خوانی شدند. در آثار برخی از مولفان همچون روضه الشهداء، که کتابی مشهور در مصیبت‌خوانی عاشورا ست، آفرینش حضرت آدم در این روز نیز همراه رنج و بلا روایت شده‌است:

آن‌روز که آب و خاك بر هم زده‌اند بر طینت آدم، رقم غم زده‌اند

خالی نبود آدمی از درد و بلا کان ضربت اولین بر آدم زده‌اند (سبزواری، ۲۴)

تغییر چهره جشن نوزایی اسلامی به آیین‌های عزاداری و مصیبت‌خوانی، اگرچه موجب دگرگونی برخی از آیین‌های شادی و پایکوبی گردید، اما هیچ‌گاه فلسفه اصلی آن را تغییر نداد. بررسی پدیدارشناسانه روایات و آیین‌های عاشورایی، گواه آن است که عاشورا و کربلا، یکی از زمان‌ها و مکان‌های مقدس اسلامی- شیعی است. مطالعه و مقایسه هر دو آیین اسلامی با آیین‌های نوزایی سایر ادیان و اسطوره‌های فرهنگی، حاکی از مشترکات و همسویی‌های بسیار است. گرچه میان جشن‌های نوزایی و پایکوبی‌های آیینی سایر ملل با آیین‌های عزاداری و تعزیه‌خوانی بُعد و فاصله بسیار است، در منظری پدیدارشناسانه می‌توان این سوگوارها را همچون آیین نوزایی شیعی و جشن بازسازی کیهان تبیین کرد. از آن‌جا که آفرینش خداوند به‌عنوان فعل و تجلی مستقیم خداوند، همواره موجب خیر و برکت است، آیین‌های عاشورایی و زمان بازگشت نمادین به طهارت آغازین هم زمانی مقدس، زیبا و مستحق شادی و سپاسگزاری از خداوند است. شاید به همین سبب حضرت زینب علیها السلام واقعه کربلا و شهادت برادر و یاران ایشان را به این جمله توصیف کرد: «ما رأیت الا جمیلا».

شیعیان در پایان «زیارت عاشورا» همگی به سجده می‌روند و خداوند را به سبب اعطای درک مصیبت بزرگ وقایع روز عاشورا شکر می‌گویند: «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاكِرِينَ لَكَ عَلَيَّ مُصَابِيهِمْ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَيَّ عَظِيمٌ رَزَيْتِي» (ابن قولویه، ۱/۱۷۴).

منابع

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۳،
پاییز ۱۳۹۸

۵۴

- ابن شهر آشوب، محمدبن علی، مناقب آل ابی طالب، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۱۲ق.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، محقق و مصحح: عبدالحسین امینی، نجف اشرف، دار المرتضویة، چاپ اول، ۱۳۵۶.
- ابن مشهدی، محمد بن جعفر، المزار الکبیر، ایران، قم، جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة بقم، ۱۳۷۸.
- ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۵ق.
- ابن بابویه، محمدبن علی، کمال الدین و تمام النعمة، قم، علمی و فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۸۰.
- ابن کثیر، اسماعیل ابن عمر، البداية و النهاية، بیروت، دارالفکر، ۱۳۹۸.
- بحرانی، عبدالله بن نورالله، عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال، قم، نشر مدرسه الامام المهدي، ۱۴۱۵ق.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان، مدینة معاجز الأئمة الإثنی عشر و دلائل الحجج علی البشر، قم، موسسه معارف الاسلامیه، ۱۴۱۳.
- البخاری الجعفی، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، دار طوق النجاة، الطبعة الأولى، ۱۴۲۲ق.
- البدری، السید سامی، ترجمه، م. آزاد اردبیلی، «کربلا در زبان‌های شرقی باستانی»، موعود، شماره ۲۵، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۰.
- جمعی از نویسندگان، فرهنگ سوگ شیعی، ویراستار: محسن حسام مظفری، تهران، خیمه، ۱۳۹۵.
- دیناثر پالمر، مایکل، فروید، یونگ و دین، محمددهگانپور و غلامرضا محمودی، تهران، انتشارات رشد، ۱۳۸۸.
- راوندی، سعیدبن هبة الله، الخرائج و الجرائح، قم، موسسه امام مهدي، ۱۴۰۹.
- الشوکانی الیمنی، محمد بن علی، نیل الأوطار، مصر، دارالحدیث، لطبعة الأولى، ۱۹۹۳.
- صفار قمی، ابن فروخ، بصائر الدرجات الکبری فی فضائل آل محمد، قم، مرعشی نجفی، ۱۴۰۴.

- طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی، تهران، رجا، ۱۳۶۲.
- طبری آملی، محمدبن جریر، دلائل الامة، بنیاد بعثت، ایران، قم، ۱۴۱۳.
- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تحقیق حسینی، سید احمد، تهران، کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم، ۱۴۱۶ق.
- طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تهران، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۳۶۴.
- عاملی، محمد بن حسن (شیخ حرعاملی)، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، تحقیق گروه پژوهش مؤسسه آل البيت، قم، ۱۴۰۹ق.
- عجینه، محمد، موسوعه اساطیر العرب، عن الجاهلیه و دلالاتها، بیروت-تونس، الفارابی، ۲۰۰۵.
- فیض کاشانی، محمدبن شاه مرتضی، الوافی، اصفهان، مکتب امیرالمومنین، ۱۴۰۶.
- الفیومی، أبو العباس، مصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، بیروت، المکتبة العلمیة.
- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، تحقیق سید طیب موسوی، چاپ چهارم، قم، دارالکتاب، ۱۳۶۷.
- کاشانی، علی بن احمد محتشم، دیوان محتشم کاشانی، اکبربهداروند، چاپ ششم، تهران، نگاه، ۱۳۹۲.
- کاشفی سزواری، ملاحسین، روضه الشهداء، قم، دفتر نشر نوید اسلام، ۱۳۸۲.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، تحقیق دار الحدیث، قم، دار الحدیث، ۱۴۲۹.
- لنسلین گرین، راجر، اساطیر یونان، مترجم عباس آفاجانی، تهران، سروش، ۱۳۹۳.
- مجلسی، محمدباقر محمدتقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، بیروت، داراحیاء التراث.
- محمدبن حسن (طوسی)، الغیبة، ایران، قم، دارالمعارف الاسلامیة، ۱۴۱۱ق.
- مفید، محمد ابن محمد، تصحیح اعتقادات الإمامیة، قم، رضی، ۱۳۶۳.
- مقرر، عبد الرزاق الموسوی، مقتل الحسین (مقرر)، قم، دلیل ما، ۱۳۸۷.
- مولوی، جلال الدین محمدبن محمد، معنوی مثنوی، رنلدالین نیکلسون، نوبت هفتم، تهران، نشر ثالث، ۱۳۹۳.
- میرچا الباده، چشم اندازهای اسطوره، جلال ستاری، تهران، نشر توس، ۱۳۶۲.
- نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت، موسسه آل البيت، ۱۴۰۸.

– نوری، میرزا حسین، چشم‌اندازی به تحریفات عاشورا (لؤلؤ و مرجان)، چاپ اول، قم، سپهر، ۱۳۷۹.

- Eliade, Mircea, *A History of Religious Ideas*, Translated from the Willard R. Trask, The University of Chicago Press, 1978.
- Eliade, Mircea, *Patterns In Comparative Religion*, Translated from the Rosemary Sheed, Paris, Payot, 1958.
- Eliade, Mircea, *The Myth of Eternal Return*, Translated from the French by Willard R. Trask, Pantheon book, 1954.
- Eliade, Mircea, *The Sacred and The Profane: the nature of religion*, Translated from the French by Willard R. Trask, A Harvest book and world, New York, 1959.

پژوهش‌نامه
تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۳،
پاییز ۱۳۹۸